

۱۰ چند شغله بودن بدل به فرهنگ شده است | عالیبه شکر بیگی

۱۱ خانه شده است خوابگاه | اسفندیار آزاد

۱۲ بر احوال آن مر د باید گریست... | امان‌الله قرانی مقدم

دو پیشگی مانع تحول

چندپیشگی در حال حاضر یکی از مشکلات اساسی اقتصاد ایران است. بخشی از این مشکل به وضع اقتصاد ایران و عدم سلامت اقتصادی در جامعه و بخشی دیگر هم به سیاست‌های نادرست و...



طاعون مدیران چندشغله

ناهماهنگی در تأمین دخل و خرج و بسالارفتن هزینه‌های زندگی باعث شده است، تا معاش مردم روزبه‌روز با سختی بیشتری مواجه شود. اکنون آمار چندشغله‌ها و افرادی که با شغل‌های...



بحث‌هایی درباره چند شغله بودن و میزان رضایت از زندگی

چند شغله‌ها موجودات غریبی نیستند



طرح: هادی چیدری

یادداشت ۱

چند شغله بودن؛ شاخص سنجش فقر

و... و همچنین مشاغل غیرقانونی مانند قاچاق و... بوده است. این امر در حالی بوده که با وجود این چند شغله بودن، باز هم درآمد کافی برای حل مشکلات مادی و معنوی این خانواده‌ها وجود نداشته است. اما فارغ از آنچه تاکنون مورد بررسی قرار گرفت، چند شغله بودن افراد یک جامعه می‌تواند دلایل و انگیزه‌های دیگری نیز داشته باشد. از جمله آنها می‌توان به مدیران در سمت‌های مدیریتی اشاره کرد. بسیاری از این افراد به دلیل ارتباطات گسترده‌ای که دارند، مشاغل بسیاری را به دست می‌آورند و برای کسب قدرت و ثروت دست به کارهایی می‌زنند که در بسیاری از مواقع مناسب آنها نیست. به همین دلیل هم اغلب فعالیت‌های آنان بر مبنای تخصص و کار کارشناسانه نیست و به همین دلیل نیز آثار سوء این کار بر روی اقتصاد و جامعه بیش از پیش نمایان می‌شود. شکل‌گیری چنین ارتباطاتی که اغلب بر مبنای ارتباطات سیاسی است، خود عامل شکل‌دهی به فسادهای اقتصادی نیز می‌شود و از سوی دیگر چون این افراد درگیر چند کار گوناگون هستند، تمرکز آنان روی شغل اصلی‌شان کم می‌شود و به این ترتیب قدرت بازدهی آنان نیز کاهش می‌یابد. چند شغله بودن نه تنها در سطح خرد و پایین، بلکه در سطح کلان و بالادستی، می‌تواند اثرات مخربی بر شاکله اجتماع و اقتصاد برجا گذارد و افراد را از فعالیت درست و واقعی و همچنین آرامش و علاقه به شغل‌شان دور سازد و از آنان موجوداتی سازد که در تملک کارند و به همین ترتیب خود را فراموش کرده‌اند و به همین خاطر نیز اقتصادهای پویا در سراسر جهان با این مورد به مبارزه می‌پردازند.



حسین راغفر اقتصاددان

مسئله چند شغله بودن، در نگاه کلی، حکایت از معضل نبود شغل کافی برای افراد جامعه و همین‌طور معضل دستمزد ناکافی است. عموماً افراد به این دلیل که درآمد حاصل از یک شغل، تکاپوی هزینه زندگی‌شان را نمی‌دهد، به ناگزیر تن به شغل دوم می‌دهند. چند شغله بودن از سویی از جمله شاخص‌های سنجش فقر در یک جامعه نیز به‌شمار می‌رود. به‌طوری که در یکی از کشورهای اروپایی و در بیش از ۱۴۰ سال پیش، فقر به وضعیتی اطلاق شده که افراد مجبور بودند برای تأمین نیاز زندگی خود بیش از یک شیفت کار کنند و در نتیجه فرصت رسیدگی به خانواده و رسیدگی به نیازهای عاطفی، روحی و فرهنگی آنها سلب شده است. این امر البته در تمامی نقاط جهان نیز

حدود ۲۳ درصد از خانوارهای فقیر، خانواری هستند که بیش از یک نفر در آنها شاغل است و از سویی افراد شاغل نیز هر کدام چند شغله بوده‌اند. این مشاغل البته هیچ کدام در دسته مشاغل رسمی نبوده و شامل مشاغل غیررسمی بوده است

در تعریف قابل اتکاست و به این ترتیب در ابتدای ترین بخش، چند شغله بودن معضلی است که ارتباطی تنگاتنگ با مسأله کمبود دستمزدها از سویی و فقر گسترده از سوی دیگر دارد. برای مثال می‌توانم به تحقیقی در این رابطه اشاره کنم که در خصوص فقر در ایران انجام شده است. در این تحقیق حدود ۲۳ درصد از خانوارهای فقیر، خانواری هستند که بیش از یک نفر در آنها شاغل است و از سویی افراد شاغل نیز هر کدام چند شغله بوده‌اند. این مشاغل البته هیچ کدام در دسته مشاغل رسمی نبوده و شامل مشاغل غیررسمی مانند دستفروشی

یادداشت ۲

چند شغله بودن و تعریف ماهوی آن

نقطه مناسبی درباره این موضوع رسید. با این تعریف، مخالفت‌ها و موافقت‌ها زمانی شکل منطقی و واقعی به خود می‌گیرد که بتوان برداشت از چند شغله بودن را به صورت مناسب و درست رواج داد. در این صورت اگر اشتغال مستمر ما به صورت ماهیانه، روزانه یا هفتگی تعریف شود و چند شغله‌ها آن را اشتغال کنند، به‌طور طبیعی مخالفان حق مخالفت دارند زیرا موضوع بر سر شغل مستمری است که می‌تواند توسط یک یا چند نیروی کار آماده اشتغال شود. دستگاه‌ها و مجموعه‌های خصوصی و دولتی درباره این مفهوم (دو یا چند شغله بودن) دو تعریف را ارائه می‌دهند. یکی از تعاریف این است که مشاغلی نداریم که چند شغله تعریف شوند، بلکه در پارهای موارد مسئولیت‌های وقت و پاروقتی داریم که به‌عنوان شغل به حساب نمی‌آیند. فعالیتی، شغل به حساب می‌آید که برایش یک فیش حقوقی ماهیانه با میزان ۸ ساعت خدمت تعریف شود. دومین بحث هم این است که ما به این دلیل که نیاز به صرفه‌جویی داریم، مشاغل را تعریف نمی‌کنیم بلکه افراد را به صورت حق التدریس یا حق الزحمه، تحریر و... به کار می‌گیریم. این دو تعریف با هم تفاوت زیادی دارند. در مجموع در مورد موضوع چند شغله‌ها که شغل در آنها معنای واقعی خود را دارد، باید مقابله کنیم اما اگر از تعریف شغل فاصله گرفتیم باید قدری درنگ کنیم زیرا در حال حاضر، موضوع ۵۰۰ هزار نفری مطرح است که توسط دولت گذشته جذب شده‌اند و هزینه‌ای به دوش دولت فعلی نهادند با وجود این که قرار بود تا انتهای سال، ۱۰ درصد از کارکنان دولت کاهش پیدا کنند اما در شرایط کنونی چندرصد اضافه شده‌اند.



ایرج ندیمی عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی

شغل در گفتمان اجتماعی و اقتصادی عبارت است از فعالیتی منظم که در ازای دریافت پول (حق الزحمه) انجام می‌شود. یک فرد به‌طور عمومی یک شغل را با کارمندی، داوطلبی یا شروع کسب و کار آغاز می‌کند. آن‌طور که در تعاریف آمده است، مدت زمان یک شغل می‌تواند از یک ساعت (در مورد کارهای خاص) تا تمام طول عمر (در مورد برخی مثلاً قضات) به درازا بکشد. اگر یک فرد برای نوع مشخصی از شغل تربیت شده باشد، بدان حرفه یا پیشه می‌گویند. مجموعه شغل‌های یک فرد در طول زندگی سوابق شغلی آن فرد را تشکیل می‌دهد. در این میان افرادی هم هستند که در آن واحد به مشاغل مختلف اشتغال دارند (چند شغله‌ها) که این موضوع از جهات مختلف قابل بررسی است. یکی از برداشت‌ها

اگر اشتغال مستمر ما به صورت ماهیانه، روزانه یا هفتگی تعریف شود و چند شغله‌ها آن را اشتغال کنند، به‌طور طبیعی مخالفان حق مخالفت دارند زیرا موضوع بر سر شغل مستمری است که می‌تواند توسط یک یا چند نیروی کار آماده اشتغال شود

پیدا کنیم، البته اگر خودمان جزو آنها نباشیم، حتماً حسابدار جوانی را می‌شناسیم که عصرها شواگرد خصوصی دارد یا مهندسی که بعد از تمام شدن ساعت کاری اداره، مسافر کشی می‌کند. دغدغه آنها هرچه که باشد به قیمت از دست رفتن بخش مهمی از زندگی‌شان به بهانه کار و کار و کار تمام می‌شود. به بهانه به دست آوردن شرایط بهتری برای زندگی یا به بهانه درآمد بیشتر و درآمد خراج یک بیماری، ورشکستگی، هزینه دانشگاه و... هزینه‌های چند شغله بودن برای جامعه از نگاه اقتصاددانان دور نمانده است. آنها مدام از کسانی می‌گویند که از چند حرفه امرامعاش می‌کنند و شاید با این کار نرخ بیکاری را نیز افزایش می‌دهند. روانشناسان نیز در مقابل این پدیده بی‌اعتنا نیستند، آنها به خوبی به مسائلی که چند شغله‌ها با آن درگیرند و مشکلاتی که ممکن است از نظر روحی برای خودشان یا خانواده‌شان پیش بیاید، اشاره می‌کنند.

ادامه در صفحه ۱۱

پیدا کنیم، البته اگر خودمان جزو آنها نباشیم، حتماً حسابدار جوانی را می‌شناسیم که عصرها شواگرد خصوصی دارد یا مهندسی که بعد از تمام شدن ساعت کاری اداره، مسافر کشی می‌کند. دغدغه آنها هرچه که باشد به قیمت از دست رفتن بخش مهمی از زندگی‌شان به بهانه کار و کار و کار تمام می‌شود. به بهانه به دست آوردن شرایط بهتری برای زندگی یا به بهانه درآمد بیشتر و درآمد خراج یک بیماری، ورشکستگی، هزینه دانشگاه و... هزینه‌های چند شغله بودن برای جامعه از نگاه اقتصاددانان دور نمانده است. آنها مدام از کسانی می‌گویند که از چند حرفه امرامعاش می‌کنند و شاید با این کار نرخ بیکاری را نیز افزایش می‌دهند. روانشناسان نیز در مقابل این پدیده بی‌اعتنا نیستند، آنها به خوبی به مسائلی که چند شغله‌ها با آن درگیرند و مشکلاتی که ممکن است از نظر روحی برای خودشان یا خانواده‌شان پیش بیاید، اشاره می‌کنند.

ادامه در صفحه ۱۲

گفت و گو با چند شهروند درباره چند شغلی

است، آرایشگری می‌کنم. می‌گویند: باید در زندگی غیر از شغل اصلی، کار دیگری هم بلد باشیم تا بتوانیم زندگی را بچرخانیم. می‌گویند: به پسر هم همین را یاد داده‌ام که زندگی کردن با یک شغل به جایی نمی‌رسد. نه این که به دنبال زندگی تجملاتی باشد اما حساب هزینه‌های دانشگاه آزاد پسرش و فکر آینده او نمی‌گذارد که به پادرد ناشی از سال‌ها سرپایستادن تسلیم شود. می‌گویند: اگر زندگی با حقوق کارمندی می‌گذشت به‌جای این کار به علاقه‌هایم می‌رسیدم و دوست داشتم در باغچه حیاط‌مان گل بکارم. این رویا را برای روزهای بازنشستگی می‌گذارم. البته به قول خودش اگر آن روزها هم مجبور نباشد چندجا کار کند. چند شغله‌ها موجودات غریبی نیستند. یک نگاه به اطرافیانمان کافی است تا کسی را

نمی‌دهد، از نظر روحی آسیب می‌بیند اما معتقد است، همه چیز زندگی بر وفق مراد نیست و باید این بخشی که نمی‌تواند با آن کنار بیاید را تحمل کند. دو شغلیش از نظر کاری با یکدیگر متفاوت است اما می‌گویند: از آن جا که آینده را کسی نمی‌تواند پیش‌بینی کند، ترجیح می‌دهم جایی کار کنم که از استرس‌های همیشگی زندگی‌ام کم کند و خیالم راحت باشد در نبود یک حقوقی هست که به دست خانواده‌ام برسد. دیگری مردی ۴۸ ساله است که به تازگی فرزند دومش به دنیا آمده. سال‌هاست در اداره‌ای دولتی مشغول به کار است و هم‌زمان از مهارت دیگری که دارد نیز استفاده می‌کند. بعد از ظهرهای او به‌جای این که در کنار خانواده بگذرد تا شب در یک مغازه که متعلق به برادرش

طرح‌نو | در یک اداره دولتی مشغول به کار است. رأس ساعت ۸ صبح لحظه ورودش را ثبت می‌کند و تا ساعت ۴/۵ پشت میز کارهای اداری را انجام می‌دهد. خودش می‌گوید برای آب باریکه‌های همیشه در زندگی‌اش داشته باشد. با این که عصرها به کار عکاسی و کارهای گرافیکی مشغول است و با عشق و علاقه این کار را انجام می‌دهد و اتفاقاً هم درآمد پدی ندارد اما حاضر نیست یک کار اداری که می‌تواند برایش مزایای زیادی به همراه داشته باشد را ترک کند. نیاز مالی را بهانه دو شغله بودنش نمی‌داند و بیشتر بحث آینده‌نگری را مطرح می‌کند. این که شغل‌های آزاد و به‌خصوص هنری به دلیل نداشتن بیمه و بازنشستگی ممکن است آینده خوبی نداشته باشد. از آنجایی که متاهل است و دو فرزند دارد، بیشتر نگران آینده است و همین هم باعث می‌شود تا از شغل اداری و کاملاً دولتی‌اش دست نکشد. خودش می‌گوید، همین که شغل اولش را با عشق و علاقه انجام